

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جہانِ سماویں کے چہار دہ لا خورشید



www.14khorshid.ir

ورود بہ سایت

بسم الله الرحمن الرحيم



حوزه علمیه امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام یاسوج

معاونت پژوهش

موضوع:	ربا در معاملات بانکی
استاد راهنما:	حجه الاسلام والمسلمین موسوی میمندی
پژوهش گر:	میرزا مسلم جعفری مهر
سال تحصیلی:	۹۱-۹۲
نیم سال:	اول

چهارده خورشید

هشدار

* کلیه حقوق این مقاله متعلق به حوزه علمیه امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام یاسوج می باشد.
* هرگونه سوء استفاده شرعاً و قانوناً جایز نمی باشد.

ورود به سایت

کلیدواژه:

ربا - معاملات بانکی - سپرده - پس انداز - حساب جاری

چکیده:

عملیات بانک در چند قسمت خلاصه می شود ما هر کدام را از نظر انطباقش با موازین شرعی بحث می کنیم.

نقسمتی از عملیات بانک دریافت های خود بانک از مردم که عناوین مختلف دارد، حساب جاری، سپرده دیدای، سپرده ی موقت، سپرده پس انداز.... که فرق بعضی از آنها را با بعضی دیگر من دقیقاً نمی دانم و خیال هم نمی کنم در ماهیت قضیه تأثیر داشته باشد. این پول گرفتن های بانکی از نظر شرعی چه عنوانی دارد؟

ماپولی رابه عنوان حساب جاری یا سپرده یا پس انداز در بانک می گزاریم، این چه عنوانی دراد؟ آیات امانت است نزد بانک یا ما قرض میدهیم به بانک؟

در این مقاله بعد از مقداری صحبت در مورد رباء که یک بحث کلی است، بحث را جزئی و تخصصی می کنم و آن را بسوی رباء در معاملات بانکی سوق می دهم.

رباء در لغت: ربح یا فائده و سودی که وام دهنده بابت طلب خود بگیرد، پولی که بستانکار بابت منافع خود از بدهکار بگیرد.^۱

رباء در اصطلاح: زیادی خاصی است در باب قرض که وام دهنده از وام گیرنده دریافت می کند و همچنین در باب بیع و مبادله موزون دو مال متجانس، یکی از دیگری می گیرد.^۲

آیاتی از قرآن کریم در مورد ربا:

حرمت رباء: یا ایها الذین آمنوا لا تکلوا الربوا الضعفاًضعفه واتقوا الله لعلکم تفلحون. (ای کسانی که ایمان آوردی! ربا (سود پول) را چند برابر نخورید)^۳

ربا از عوامل انحطاط جامعه: فبظلم من الذین هادوا حرمنایهم طیبیت أجلت لهم وبصدّهم ان سبیل الله کثیراً* وأخذهم الربوا وقد نهوا ان ها وأکلهم اموال الناس بالباطل وأعدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً. (بخاطر ظلمی که از یهود بخاطر ظلمی که از یهود بخاطر ظلمی که از یهود صادر شد، و نیز و بخاطر جلو گیری بسیار از آن ها از راه خدا، بخشی از چیز های پاکیزه را که بر آنها حلال بود، حرام کردیم، و همچنین به خاطر ربا گرفتن،

در حالی که از آن نهی شده بودن؛ و خوردن اموال مردم به باطل؛ و برای کافران آن ها، عذاب درد ناکی آماده کرده ایم)^۴

بی برکتی ربا: یمحق الله الربوا ویریبی صدقات والله لا یحب کل کافرن ائیم. (خداوند، ربا را نابود می کند؛ و صدقات را افزایش می دهد! و خداوند هیچ انسانی نا سپاس گنجهکاری را دوست نمی دارد).^۵

۱- عمید حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، ص ۱۰۲۸. ۲- مشکینی، واجب و حرام، ص ۱۷۵. ۳- آل عمران، ۱۳۰.

۴- نساء، ۱۶۰ و ۱۶۱. ۵- بقره، ۲۷۶.

ربا ناسازگار با ایمان و تقوا: یا ایها الذین امنوا تقوللہ و ذروا ما بقی من الربوا ان کنتم مؤمنین. (ای کسانی که ایمان آوردید! از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید، و آن چه از مطالبات ربا باقی مانده، رها کنید؛ اگر ایمان دارید!)^۱

سلب برکت از اموال ربوی: و ما اتیتم من ربا لریبوافی اموال الناس فلا یربوا عندالله و ما اتیتم من زکوٰۃ تریدون وجه الله فأولئک هم المضعفون. (آنچه بعنوان ربا می پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت؛ و آنچه را بعنوان زکات می پردازید و تنها رضای خدا را می طلبید (مایه برکت است؛ و) کسانی که چنین می کنند داراییه پاداش مضاعفند.)^۲

ربا اعلان جنگ با خدا: یا ایها الذین امنوا تقوللہ و ذروا ما بقی من الربوا ان کنتم مؤمنین * فإن لم تفعلوا فاذنوا بحریمنا لله ورسوله و ان تبتم فلکم رءوس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون * و ان کان ذو عسرۃ فنظرۃ الی میسرۃ و ان تصدقوا خیرکم ان کنتم تعلمون. (ای کسانی که ایمان آوردید! از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید، و آن چه از مطالبات ربا باقی مانده، رها کنید؛ اگر ایمان دارید! اگر چنین نمی کنید بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد! و اگر توبه کنید، سرمایه های شما، از آن شماست = اصل سرمایه بدون سودنه ستم می کنید، و نه بر شما ستم می شود. و اگر بدهکار قدرت پرداخت نداشته باشد، او را تا هنگام توانایی کهلت دهید! و در صورتی که به راستی قدرت پرداخت ندارد، برای خدا به او ببخشید بهتر است؛ اگر منافه کار را بدانید!)^۳

روایاتی از ائمه اطهار درباره ربا:

هلاکت قوم با ربا:

عن الصادق: اذا أراد الله بقوم هلاكاً ظهر فيهم الربا. امام صادق فرمودند؛ هنگامی که خداوند بخواهد ملّتی را هلاک کند ربا خواری در میان آن ها آشکار می گردد.^۱

گناه عظیم ربا:

عن أبي عبد الله؛ قال درهم ربا أشد من سبعين زنية كلبا بذات محرم. گناه يك درهم ربا بدتر است از هفتاد بار زنا با محارم انجام شود.^۲

بدترین کسبها:

قال الرسول الله شر المكاسب كسب الربا؛ بدترین کسبها کسی است که آمیخته با ربا باشد.^۳

ترس پیامبر بر امت:

قال الرسول الله إن أخوف ما أخاف على أمتي من بعدى هذه المكاسب الحرام والشهوة الخفية والربا؛ پیامبر فرمود آنچه که بر امتم بسیار می ترسم بعد از خودم، مکاسب حرام و شهوات پنهانی و ربا است.^۴

صدقه در ربا:

عن أبي عبد الله قال أربعه لا يجزن في أربع الخيانة والغول والسرقة والربا لا يجزن في حجب ولا عمره ولا جهد ولا صدقه؛ امام صادق فرمودند چهار چیز است که در چهار چیز دیگر اجاز داده نمی شود: ۱. خیانت ۲. غل در معامله ۳. سرقت و ۴. ربا را در ۱. حج ۲. عمره و ۳. جهاد و ۴. صدقه روا ندانسته اند.^۵

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲۳. ۲- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۱۷. ۳- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲۲

۴- الکافی، ج ۲، ص ۲۸۱. ۵- الکافی، ج ۵، ص ۱۲۴

داستانها در مورد ربا :

اثر ربا خواری؛

در اصفهان یک نفر متجاوز بود؛ علاوه بر گران فروشی ربا خوار بود و احتکار می کرد، بالاخره مثل زالو خون مردم را می مکید. بچه ها و طایفه او نکبت ها و بد بختی های عجیبی گرفتارند. قضیه ای از او نقل می کنند که در اصفهان قحطی آمده بود و گندم کم شده و گران بود، نانوایان اصفهان فهمیدن که او گندم دارد، پیش او آمدن که گندم هایت را به مردم بده! گفت: یک من چند می خرید؟ مثلاً گفتند نرخش دو تومان است. گفت برو بابا! گفتند بیست دو قران، گفت برو بالا! خلاصه مرتّ نرخ را بالاتر می برد تا جایی که راضی نشد، لذا گفت صبر کنید تا فردا فکری بکنم. فدا هم گندم را به مردم نداد. بالاخره مشکل گذشت، آن کسانی که از ظلم دیگران باید بمیرند، مردند و کسانی هم زنده و قحطی تمام شد. طولی نکشید که پای آن مرد درد گرفت، دکتر آوردند خوب نشد، بالاخره شورای پزشکی تصمیم گرفت که پایش را ببرند. دست گذاشت رو انگشت پا و گفت از این جا؟ دکتر گفت نه! برو بالا، قدری بالا تر آمد، گفت از این جا؟ گفت نه برو بالا! دلش نمی آمد، مثل همان گندم که خودش می گفت برو بالا، الان تجسم عمل شده و می گوید برو بالا، خلاصه همه پول ها را داد و پاره ها را قطع کردند.^۱

نابود باد طلا و نقره؛

روز یاز روزها پیامبر اکرم نشسته بودند و جمعی از اصحاب هم نزد ایشان حضور داشتند. در همان لحظه این آیه نازل شد.... <مالذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم به عذاب الیم> {آنان که طلا و نقره (پول رایج آن زمان) را گنج می نهند و در راه خدا انفاق (پر کردن شکافهای طبقاتی) را نم کنند مؤثره عذابی دردناک را}^۲

وقی پیامبر آیه را دریافت کرد و فهمید، بلافاصله سه بار فرمود: (تباه الذهب و الفضة، نابود باد طلا و نقره) اصحاب که دور پیامبر نشسته بودن، در فکر فرود رفتند. عُمر سکوت را شکست و از پیامبر سوال کرد یا رسول الله! پس چه مال و سرمایه ای را برای خود بگیریم و جمع کنیم؟ پیامبر فرمود: زبان ذاکر (ذکر کننده) قلبی شاکر (شکر گزار) و وزن با ایمان کمک کار در دین.^۳

((شعر))

نداند چو احکام را با یقین

شود او گرفتار خشم خدا

نباشد چو کس آگه از علم دین

بیفتد سر انجام اندر ربا

۱- مظاهری. جهاد بانفس. ج. ۱. ص. ۱۵۸. ۲- توبه. ۳۴. ۳- تفسیر صافی. ج. ۱. ص. ۶۹۹. تفسیر مجمع البیان. ص. ۲۶۶.

فرق امانت و قرض:

امانت با قرض متفاوت است. اما اگر امانت باشد، از نظر موازین شرعی عین هر امانت باید حفظ بشود و امانت دار حق تصرف در آن را ندارد. و اگر با اجاز صاحب مال بخواهد در آن تصرف کند، دیگر امانت نیست، تبدیل می شود به قرض. البته مقصود از تصرف، تصرف از بین برنده است؛ مثل این که این تعویض بشود یا مامله بر روی آن بشود یا معدم گردد. اما تصرف در حدی که فرشی را زیر پا بیندازد مقصود نیست.

تعویض عین با ماهیت امانت سازگار نیست. نمی شود گفت مثلاً این قالی را این جا امانت می گذارم و در این اینکه امانت است شما حق دارید آن را بفروشید و تبدیل به پول یا چیز دیگر بکنید. اگر من اجاز فروش دادم این دیگر از امانت خارج می شود. مسلم پول هایی که مردم به بانک می سپارند عنوان امانت ندارد، یعنی بانک در این پول ها تصرف می کند و به دیگران قرض میدهد. پس همه این پول های که به بانک پرداخت می شود باید اسمش را گذاشت قرض گرفتن های بانکی معنی هم ندارد که به شکل امانت بماند. یعنی اگر کسی در مقام راه حل بگوید بانک در پول های مردم تصرف نکند و فقط امانت باشد، خواهند گفت را کد ماندن پول خودش غیر طبیعی و مضر است. پس بنابراین پول گرفتن بانک عنوان قرض دارد؟ حال ببینیم در مواردی که بانک سود پرداخت می کند مثل سپرده موقت و پس انداز، آیا این سودی که می دهد جایز است یا جایز نیست؟

مسلم به این شکل که بانک پولی را بعنوان قرض دریافت کند و به موجب قرار سود پرداخت کند، ربا است و شرعاً اشکال دارد اما اگر قرار سود در بین نباشد - مشتری قرض بدهد و بانک در پرداخت سود آزاد باشد؛ مقرراتی بانک را مجبور نکرده باشد و قرض دهنده هم مطالباتی برای خود قائل نباشد و بانک به دلخواه خود در پایان مدت مبلغی به صاحب پول اضافه بدهد - مانعی ندارد ولی بعنوان یک معامله و یک قرار قبلی برای پرداخت سود اشکال دارد. و اگر کسی می

خواهد از پولی که به بانک می دهد سودی عائدش بشود، حتماً باید شکل دیگری داشته باشد مثلاً بانک برای او معامله ای بکند، که همان شکل مضاربه و غیره می شود، که خود بحثی جداگانه می طلبد...

قسمت دوم فعالیت بانک نقل و انتقال پول است که البته هم بدون اشکال است و هم ضروری. بانک مرکزی است برای نقل و انتقال پول که کار نظیر کار پست انجام میدهد، مثلاً پولی را در تهران از شما می گیرد و در مشهد به کس دیگری تهویل می دهد و در مقابل این خدمت پولی که کار مزد است و در آن هیچ بحثی نیست.

مسئله دیگر خرید و فروش برات و سفته است. این مسئله قابل بحث می باشد که آیا خرید و فروش برات یا سفته اشکال دارد یا خیر؟ بات اگر نقدی باشد هیچ اشکالی ندارد. یعنی کسی پولی از دیگری طلبکار است و همین الان می خواهد بگیرد. برات می کند که بانک برود و از طرف بگیرد. این در واقع یک حواله است که مثلاً من هزار تومان از کسی طلبکار هستم، مأموریت می دهم به دیگری که آن را وصول کند. اگر آن شخص در مقابل این عمل کار مزد بگیرد مسلماً اشکال ندارد. ولی کار دیگری هم معمول است که ظاهراً به آن هم برات یا حواله می گویند و آن این است که کسی در جایی پولی به بانک می دهد برای اینکه این پول را در جای دیگر خودش برود بگیرد. مثل کاری که در قدیم معمول بود: اشخاصی که به شهری مسافر میرفتند، برای این که پول را همراه خود نبرند و از خطر محفوظ بمانند آن را به تاجری که در آن شهر طرف داشت می دادند و حواله می گرفتند و در آن شهر با مختصری کم تر از آن شخص می گرفتند. مثلاً هزار تومان در این جا میداد و نهصد پنجاه تومان در مقصد از طرف می گرفت. حواله بانک هم همین طور است. آیا این اشکال دارد یا خیر؟

این شکل از نظر فقها اشکال ندارد. زیرا اشکال تنهادر موردی است که قرض دهنده زیاد تر از قرض گیرنده بگیرد اما اگر قرض گیرنده چیزی بیشتر اضافه بگیرد، اشکال ندارد. در این جا قرض

دهنده اضافه نمی گیرد بلکه کسری می گیرد. ممکن است الان چنین چیزی وجود نداشته باشد، ولی کسی که با پولی معامله می کند شاید حاضر باشد مثلاً هزار تومان بگیرد بعد از چند ماه هزار پنجاه تومان بدهد زیرا در این مدت با این پول معامله می کند. می گویند اگر اضافه دهد اشکال دارد اما اگر کسری بدهد اشکال ندارد.^۱

قرض ربوی از نظر طبیعت حقوقی:

در اینجا به نظر میرسد که ما دو بحث را باید مطرح کنیم و بعد ببینیم نتیجه چه می شود. یکی بررسی قرض ربوی از نظر طبیعت حقوقی است بدون توجه به جنبه شرعی که شرعاً ربا گرفتن حرام است یا حلال. یعنی قرض ربوی دادن فی حد ذاته از نظر علمی و از نظر طبیعت حقوقی آیا ظلم است یا نه؟ خیلی از مسائل حقوقی را انسان با عقل و فکر خودش و از روی استدلال می تواند بدست بیاورد که ذی حق است یا خیر. یک وقت است که می گوئیم از نظر طبیعت حقوقی آن کس که پول خودش را به دیگری قرض می دهد واقعا استحقاق دارد که در برابر این پول چیزی بگیرد منتها در مواردی خلاف رحم و عاطفه است. این یک مسئله دیگر است. در باب اجاره هم این بحث پیش می آید. کسی که خانه اش را اجاره می دهد، از نظر طبیعت حقوقی حق دارد مال الاجاره بگیرد. اما صاحب ملکی متمکن است و احتیاج چندانی ندارد اگر از مستأجرش که در عسرت و تنگدستی است مطالبه اجاره کند قساوت و بی عاطفگی است.

بنابر این در مورد ربا باید اول مسأله را حل کنیم که آیا قرض دادن ربوی از نظر طبیعت حقوقی با اجاره هیچ فرقی نمی کند یا فرق دارد؟ اگر فرق نمی کند پس این اشکال هم از نظر شرعی قهراً مطرح می شود که چگونه شارع جلوی قرض دارچدن ربوی به یک مستمند را به این شدت گرفته ولی جلوی اجاره دادن خانه به یک مستمند را نگرفته و فقط توصیه اخلاقی کرده؛ نگفته اگر کسی نمی تواند مال الاجاره خانه اش را بپردازد، اگر بگیرد حرام است؛ بلکه مثل خیلی موارد دیگر امر به احسان کرده است.

۱- مطهری مرتضی. مسئله ربا و بانک. ص ۱۲، ۱۴.

این چگونه است؟ به نظر من منظور رسیده و امر واضحی است که قرض ربوی از نظر طبیعت حقوقی غیر قابل پذیرش و غیر منطقی است، و با اجاره وامثال آن متفاوت است.^۱

تعهد در مقابل بانک:

برای این اشکال هم ناچار راه حلی ساخته اند به نفع بانک تا آن کاری که در عمل می شود، صورت شرعی پیدا کند. به این ترتیب که کسی که سفته یا دین خود را به بانک می فروشد در عین حال در مقابل بانک ضمانت می کند که اگر بدهکار نداد خودش بدهد. این نیز اشکال دارد.

ضمان در فقه اهل تسنن به معنی ضمّ ذمه به ذمه است، یعنی چیزی است به نفع دائن یا طلبکار به این معنی که عهده کنار عهده ای قرار می گیرید؛ یعنی دو نفر متعهد می شوند، هم مدیون اولی هم ضامن. در فقه شیعه فقط یک نفر با دائن طرف است. نفع دائن به این نیست که دو طرف داشته باشد. و اگر کسی ضامن شد ذمه منتقل می شود به ضامن. بنابر این که فروشنده سفته به بانک من ضامنش هستم. که اگر او نداد و من می دهم، با ضمانت های مصطلح جور در نمی آید مگر این که بگوییم این یک نوع تعهد دیگری است نه از باب ضمان. و این حرف را هم گفته اند برای این که کار بانک درست شود، که این کار یک نوع تعهد دیگر است نه از باب ضمان که لازمه اش انتقال ذمه است و نه از باب ضمّ ذمه به ذمه. یک تعهد ابتدایی می کند که اگر او طلب شمارا نداد من برابر طلب او را می پردازم. (المومنون عند شروطهم) این ضمانت نیست ولی یک تعهد مستقلی است.

بنابراین مسأله سفته های حقیقی را به این صورت حل کرده اند و مبتنی بر این چند چیز است:

۱. بیع دین اشکال نداشته باشد و اشکال هم ندارد.

۱- مطهری مرتضی. مسئله ربا و بانک. ص ۱۸.

۲. اسکناس خودش مالیت داشته باشد نه اینکه اسکناس هم به منزله سفته و سند باشد چنانکه بعضی می گویند اسکناس سندی است که دولت داده و آنچه که مالیت دارد پشتوانه آن است چون برابر آن اسکناسها در بانک ملی طلا بعنوان پشتوانه وجود دارد و کسی که هزار تومان اسکناس در اختیار دارد در واقع سندی در اختیار دارد که معادل هزار تومان طلا در بانک ملی دارد. بنابراین این خود اسکناس مالیت ندارد. اگر این را صحیح بدانیم که خود اسکناس مالیت ندارد، باز این شبهه حل نشده می ماند. ولی در این راه حل، فرض این است که اسکناس مالیت دارد.

۳. تحریم ربای معاملی فقط در مورد مکیل و موزون باشد و در مورد معدود ها نباشد. ۴. پولی که بانک می دهد قرض نباشد بلکه خریدن دین باشد و بعلاوه فروشنده سفته جدا گانه متعهد باشد. تازه با این تفصیل کار معمول بانک درست شده بگونه ای که صورتش تغییر کرده است.

وام سرمایه گذاری و راه حل آن :

اما راجع به نوع چهارم قرض، یعنی وام های تولیدی و سرمایه گذاری. اگر ما خرید و فروش اسکناس را اشکال نکنیم، اینجا هم به طریق اولی اشکال نمی کنیم. زیرا اگر کسی می خواهد برای طرح صنعتی یا کشاورزی خود یک میلیون تومان پول از بانک قرض بگیرد، به جای قرض گرفتن می گوید یک میلیون تومان خرید دو ساله به یک میلیون و دویست هزار تومان. از نظر راه حل صوری فقهی اشکال ندارد ولی از نظر راه حل علمی و واقعی می دانیم که واقعیتش ظلم است. برای این که این واقعیت ظلم وجود نداشته باشد، راه حلی که ایشان پیشنهاد کرده اند این است که بانک هم خودش رادر ضرر های احتمالی شریک بکند به این ترتیب که سهام بخرد، شرکت کند و خلاصه از باب مضاربه وارد شود. اینکه بانک حاضر نیست سهام بخرد و سرمایه اش را به عنوان یک سرمایه داری که خود سرمایه اش را در جریان عمل قرار داده، در جریان قرار دهد. برای این است که می خواهد از خطر ضرر و تلف سرمایه مصون بماند. چرا باید این طور باشد؟! (من له الغنم علیه الغزم) چرا در فایده های صدر صد شریک باشد

و حتی جایی که فایده نیست فایده اش را ببرد اما در ضرر و کسر فایده شریک نباشد؟! الزامی نیست که بانک را دارای منافع تضمین شده بشناسیم.^۲

۱- مطهری مرتضی، مسئله ربا و بانک، ص ۵۱.

۲- مطهری مرتضی، مسئله ربا و بانک، ص ۵۴.

آیا وام بستانکاران یک ضرورت است؟

در باره بحث وام باقی می ماند و امی که بعضی نام آن را بستانکاران گذاشته اند و راه حل آن را این طور بیان کرده اند که یک صندوق تعاونی وام بوجود بیاید و شرکایی داشته باشد که پول های اضافی خود را بعنوان وام به این صندوق بدهند و به نسبت معینی حق داشته باشند وام بگیرند و ضمناً بهره ای بانرخ عادی منظور شود. بعد صاحبان سرمایه به هیئت مدیره و کالت دهند که سود حاصله را در پایان سال متناسب با بهره های پرداختی تقسیم کند. در این صورت عملاً وام گیرنده هافقط در حد ودهزینه بانک بهره داده اند و هیچ کس از دیگری ربا نگرفته است.

این راه حل گویا مانعی ندارد، البته به شرط این که - همه توجه داشته باشند که این ربا، ربای صوری است نه ربای واقعی؛ یعنی شکل قضیه بصورت رباست نه اینکه واقعاً ربا باشد. ولی مطلبی بصورت سوال به نظر می رسد و آن این که آیا وام بستانکاران را می توان واقعاً جزو ضرورته به شمار آورد یا نه؟ این وام معمولاً وام تجاره است. اصلاً اصلاً آیا این کار در عالم بازرگانی یک کار صحیح و سالمی است که تاجر مرتب جنس بخرد، آن را نسبه بفروشد، بعد سفته هایش را نزول کند، بعد جنس بخرد، باز نسبه گران تر از نقد بفروشد و همین طور این کار ادامه داشته باشد؟ اصلاً خود این کار غیر طبیعی است. در این جهت باید نظر آقای بهشتی را تأیید کرد که فلسفه وجود تاجر این است که تاجر موزع است. توزیع اگر به شکل سالم صورت بگیرد، قیمت ها هم زیاد گران نمی شود. ولی وقتی که تاجر بجایه اینکه کارش توزیع یعنی وساطت باشد، با تاجر دیگر معامله کند و معاملات در میان خودشان انجام شود - در بازار اغلب، معاملات در میان خود بازرگانان می چرخد نه این که رابطه و واسطه باشند میان تولید کننده و مصرف کننده - اثر این کار، گران شدن قیمت است به چندین برابر و به زیان مصرف کننده. کسی که به صورت یک بستانکار احتیاج به وام بانکی دارد، این وام را برای چه می خواهد؟ برای اینکه این معاملات بیهوده را که زیانش متوجه مصرف کننده است زیاد کند. فعالیت اقتصادی در بازار زیاد است ولی اکثرش به نفع خود سرمایه دارهاست که بایکدیگر معامله می کنند. نتیجه اش این است که یک فرشی که مثلاً در کاشان تهیه می شود و برایه تولید کننده اصلی - که آن

کارگر و صاحب مواد اولیه آن است شاید متر ۵۰ تومان هم درآمد نداشته باشد در اثر این که آن سرمایه داری که کارخانه قالی بافی را تولید کرده مقداری بر قیمت آن می افزاید و مقدار بیشتری در اثر گردش در بازار بر قیمت آن افزوده می شود، به قیمت مثلاً متری هزار تومان به دست مصرف کننده می رسد. باید حساب کرد که وام بستانکاران که فقط مورد احتیاج بازرگانان است نه موزد احتیاج کسانی که طرح کشاورزی یا صنعتی دارند، آیا یک امر یک امر ضروری هست که بعد ما دنبال راه حلش برویم یا نه؟ به نظر من این وام یک امر چندان ضروری نیست.

کسی که جنسش را نسیه فروخته سودش را بعد میبرد. چه لزومی دارد که حتماً یک معامله بیهوده هم ایجاد کند؟!'

بانک - ضرورتها:

کارهای بانک به تفصیل جداگانه باید بیان شود، ولی عمده چیزی است که گفته می شود در عصر جدید بالخصوص ضرورت است و آن مربوط استبه دو چیز:

الف. سرمایه ها را کد نماند و در گردش باشد. بانک وسیله جذب سرمایه های کوچک به صورت پس انداز یا سپرده ثابت و دادن بهره و جایزه به آنها، سرمایه هارا جمع می کند و در اختیار افرادی که لیاقت فعالیت دارند (تجاری، کشاورزی، صنعتی) با گرفتن سود (البته سود بیشتر) قرار می دهد. علاوه بر بانک به منزله رابط و دلال و واسطه سرمایه و کار است.

ب. بانک موجب می شود که بر وسعت دامنه فعالیتها افزوده شود. در وام های بستانکاران که به صورت خرید و فروش سفته صورت می گیرد، سبب می شود که فروشنده به انتظار وصول پولش بی کار نشیند بلکه با فروش سفته به قیمت کمتر و تهیه پول نقدی، به ابتکار بازرگانی یا کشاورزی یا صنعتی دست یزند. (البته خرید و فروش سفته معمولاً مربوط است به کار بازرگانی و واسطه گری، و معلوم نیست از نظر مصالح جامعه این اندازه فعالیت را بشود به حساب توزیع صحیح گذاشته بلکه بیشتر موجب اشکالات در توزیع می شود، چون هر چه عمل واسطه گری زیاد تر شود برخلاف فعالیت کشاورزی و صنعتی کالا گران تر می گردد)

وام امیدواران نیز اگر به منظور مصرف نباشد موجب توسعه فعالیت گیرنده وام می شود. ولی وام امیدواران اگر به منظور

توسعه باشد، خود به خود داخل در وام تولید کنندگان میشود

آیا دولت می تواند مالک باشد؟

مطلب اول این است که در مورد مالکیت دولت، در میان فقها دو نظریه وجود دارد. یک نظریه این است که دولت هم مثل فرد می تواند مالک باشد، می تواند ثروت داشته باشد و تمام احکامی که در شخص مالک هست در مورد دولت هم می تواند وجود داشته باشد و به اصطلاح امروز دولت شخصیت حقوقی دارد. مرحوم آقای بروجردی، مرحوم آقای حسین قمی

وبسیاری از مراجعی فعلی که ما لان داریم از آنها تقلید می‌کنیم، عقیدشان همین است که در مالکیت هیچ فرقی نمی‌کند میان شخصیت حقیقی، و شخصیت حقوقی هم می‌خواهد دولت باشد یا غیر دولت، اعم از این که ظالم باشد یا ظالم نباشد، یعنی دولت.

۱- مطهری مرتضی، مسئله ربا و بانک، ص ۸۹ تا ۹۱

۲- مطهری مرتضی، مسئله ربا و بانک، ص ۹۷

ظالم مثل فرد ظالم است که کار نامشروعش باطل است ولی کار مشروعش درست است، یعنی ظالم بودن سبب نمی‌شود که کار مشروعش هم نامشروع باشد.

بعضی دیگر فتواشان این است که ما شخصیت حقوقی نمی‌شناسیم، فقط شخصیت حقیقی درست است. برخی از فقهایه معاصر مثل آقای خویی و صاحب کتاب البحوث الفقهیه چنین عقیدای دارند. این‌ها معتقداند که دولت صلاحیت مالکیت ندارد و حتی اگر از راه مشروع هم کار بکند نمی‌تواند مالک بشود فقط شخص حقیقی می‌تواند مالک باشد. بنابراین نظریه اشکالات زیادی پیدامی‌شود. بعضی‌ها مثل آقای مهندس طاهری کار را به آن جا رسانده بودن. و ما گفتیم حرف خیلی بعیدی هم نیست که نتنها دولت میتواند مالک بشود، بلکه حتی می‌تواند ربا هم بخورد. این احتمال وجود دارد که ربا خوردن دولت مانعی ندارد چون به منزله پدر مردم این نوع تنقیح مناط را عرض کردیم بعضی می‌گویند ولی این‌ها می‌گویند اصلا دولت چیزی نیست. پس هر مالی که در دست دولت است، خودش مالک آن نیست و در واقع مال افراد دیگر است و چون افراد دیگر را ما نمی‌شناسیم، مجهول المالک است. آن وقت در سرمایه‌های دولتی می‌آیند معامله مجهول المالک می‌کنند که ان دیگر از این حساب‌ها خارج است مثل مالی است که انسان پیدا کرده باشد. ولی کسانی که دولت را مالک می‌دانند، قهرآراه حل‌های آن‌ها با راه حل‌های کسانی که مالک نمی‌داند فرق میکند و آنچه که ما و نظر بعضی از مراجع تقلیدی که شما از آن‌ها تقلید می‌کنید. این است که دولت صلاحیت مالکیت دارد. استدلالشان این است که شما می‌گویید دولت یا هر موسس عامی وجود حقیقی ندارد و چیزی که وجود حقیقی ندارد چگونه می‌تواند مالک باشد؟ جواب این است که خود مالکیت هم وجود حقیقی ندارد و یک امر اعتباری است. یک وقت ما می‌خواهیم یک امر حقیقی را برای یک امر اعتباری ثابت بکنیم و یک وقت می‌خواهیم یک امر اعتباری را برلی یک امر اعتباری ثابت بکنیم. دولت، وجودش وجود اعتباری است مالکیت هم وجودش وجود اعتباری است. اینها یک سلسله اعتبارات یعنی قراردادهاست و به قول روسو قرارداد‌های اجتماعی است که افراد بشر این قرلر داد‌ها را به منزله امر واقعی فرض می‌کنند برای ترتیب دادن یک سلسله آثار. هدف، ترتیب دادن آن آثار است ولی تا این امر قراردادی را اعتبار نکنند نمی‌توانند آن آثار را ترتیب بدهند مثل واضحش مسئله ریاست و مرعوسیت است در تشکیلات اداری بتور کلی. مثلا ما فردی را رئیس جلسه خودمان قرار می‌دهیم. آیا باین قرار داد، او در واقع و تکوین در رأس ما قرار می‌گیرد یعنی در شخصیت واقعی او تغییری پیدا می‌شود. و در شخصیت واقعی ما تغییر دیگری؟ یا ما برای او یک نوع ما فوقیت و مقام فرماندهی نظیر فرماندهی رأس نسبت به بدن فرض کرده ایم.

خودمان را به منزله اعضاییه یک پیکر واو را به منزله سر آن پیکر فرض کرده ایم واو باید فرمان دهد و دیگران بپذیرند این قرار داد برای این است که در عمل، کارمان نظام پیدا کند. هدف، ایجاد نظام در کارمان است ولی برای این که این نظام بک امر واقعی است صورت بگیرد ناچاریم که این قرارداد و این اعتبار را در این جا بکنیم. در مسئله مالکیت دولت نیز همین طور است. بنابراین این اشکال اشکال مهمی نیست که دولت که چیزی نیست که مالک بشود. خوب، مالکیت هم به آن معنا چیزی نیست خود دولت وجود اعتباری و قرار دادی دارد و اشخاص هستند که وجود حقیقی دارند. مالکیت هم وجود اعتباری دارد. مطلب دومی که در مقدمه باید عرض کنم این است که راهی که معمولاً این فقها رفته اند گو اینکه اخیراً از این راه برگشتند با راهی که ما طی می کنیم دوراه است در آن جلسه ای که رساله سرقفلی آقاییه میلانی را آورده بودن، میلانی عرض کرد راهی که آقایان طی کرده اند که برای ما چندان جالب نیست این است که خواسته اند آنچه را که اکنون وجود دارد با تغییر شکل ظاهری درست بکنند و اشکالاتش را حل نمایند؛ یعنی طرح آن ها تغییری در ماهیت قضیه نمی دهد تغییری در صورت و شکل قضیه می دهد مثلاً می گویند به جایه این که بگویی هزار تومان می دهم و سرشش ماه هزار صد تومان می گیرم، بگو این هزار تومان را می فروشم به هزار صد تومان. این امر ماهیت قضیه را تغییر نداده، فقط ظاهر و لفظ را تغییر داده که ما دنبال آن نیستیم.

حالا ما با توجه به اینکه برخی از راه حل های که گفته اند مبتنی بر همان ظاهر سازی است، آن ها را نقل می کنیم.

اولین مسأله در باب بانکها این است که آیا مطلق معاملاتی که اگر با فرد انجام بدهیم صحیح است، اگر با بانک انجام بدهیم نیز صحیح است یا نه؟ جواب این است: صحیح است، یعنی بنابراین نظریه صحیح است و هیچ مانعی ندارد سرمایه اولیه ای که در بانک گذاشتند حلال است یا لا اقل باید بنا را بر حایت بگذاریم، چون هر چیزی را تا یقین نداریم حرام است نمی بگویم حرام است.^۱

جوایز بانکی:

جایزه هایی که صندوق پس انداز ملی می دهد یا جوایزی که به قید قرعه به کسانی که حساب باز کرده اند می دهند تکلیفش چیست؟ می گویند جایزه است و اشکال ندارد یعنی به میل خود جایزه می دهد و این غیر از بلیت هایه بخت آزمایی است. خود جایزه از آن جهت که جایزه است اشکال ندارد ولی در این اشکال دیگری کرده اند آن این است: اینکه بانک جایزه می دهد برای چه جایزه می دهد؟ جایزه را به کسانی می دهند که حساب باز

۱- مطهری مرتضی. مسئله ربا و بانک. ص ۱۰۳ تا ۱۰۷

کرده اند و از پول آن‌ها استفاده می‌کنند و این استفاده هم استفاده ربوی است. جایزه اشکال دارد ولی نه از این جهت که ما یقین داریم که بانک این جایزه را از موارد ربا می‌دهد. هیچ کس نمی‌تواند یقین کند که بانک این جایزه را از همان موارد ربا داده، چون در عین حال پول حلال هم دارد. از این جهت، اشکال نیست. در مسائلی که شارع تسهیل قائل شده ما نباید بر خودمان تضییق بکنیم. روایتی است در همین زمینه که فقها خیلی به آن استناد می‌کنند و معروف است به روایت مسعده بن صدقه در مورد معاملاتی است که انسان با مردم انجام می‌دهد عبارت این است: (کل شیء لک حلالٌ حتی تعرف انه حرامٌ بیعنه) مثل باب طهارت و نجاست است. در برخی مسائل، خود شارع بنایش بر تسهیل گذاشته. شارع از احکام طهارت و نجاست خود بر نداشته ولی در مرحله تحقیق و اثبات هم نهایت سهولت را قائل شده است. می‌گوید تا صد درصد نداری که چیزی نجس است، بگو پاک است: (کل شیء لک طاهرٌ حتی تعلم انه قدرٌ) تا رویش به اصطلاح نتوانی قسم بخوری، باید بگویی پاک است. این یک حکم تسهیلی است که شارع قائل شده. اینجاست که همین طور است. شما ممکن است در صد احتمال، نود و نه احتمال بدهید که این جایزه از همان عین رباست ولی اگر یک احتمال هم بدهید که از غیر رباست، شارع می‌گوید همان احتمال را بگیر و آن نود و نه احتمال را ندیده بگیر. هر کس که یقین دارد نگیرد.

—من ثابت می‌کنم که از مورد رباست.

برای هر کسی که ثابت کردید او هم نباید بگیرد. ولی هر کس تا مادامی که برای او ثابت نشده می‌تواند بگیرد. من دارم مسئله را می‌گویم. اگر برای کسی ثابت است ولی آن را ندیده می‌گیرد، البته برای او حرام است. مثل قضیه طلبه ای که سگ او مده بود در اتاقش، چشمانش را بسته بود و می‌گفت: پیش پیش برو گربه. صحبت این است که اگر برای کسی ثابت نیست، برای او حلال است.^۱

استفتائات آیت الله خامنه ای در مسئله معاملات بانکی:

مسئله ۱. آنچه اشخاص از بانکها می‌گیرند به عنوان معامله قرض یا غیر قرض، در صورتی که معامله به وجه شرعی انجام بگیرد حلال است و مانع ندارد، اگر چه بدانند که در بانک پول حرامی است و احتمال بدهد پولی را که گرفته است از حرام است، ولی اگر بدانند که پولی را که گرفته است حرام است، یا بعضی آن حرام است تصرف در آن جایز نیست و باید با اذن فقیه معامله مجهول المالک با آن بکند اگر مالک آن را نتواند پیدا کند و در این مسئله فرقی نیست بین بانک های خارجی یا داخلی و دولتی و غیر دولتی نیست.^۲

۲- حسینی خامنه ای علی رساله ده مرجع. ص ۶۳۰

۱- مطهری مرتضی. مسئله ربا و بانک. ص ۱۰۸ تا ۱۱۰

مسئله ۲. سپرده هایی در بانک اگر به عنوان قرض باشد و نفعی در آن قرار نشود، اشکال ندارد و جایز است از برای بانکهای که در آن تصرف کنند و اگر نفع، قرار داده شود، قرض دادن نفع حرام و باطل است ولی اصل قرض صحیح است و بانکها می توانند در آن چه می گیرند تصرف کنند.^۱

مسئله ۳. فرقی نیست در قرار نفع که موجب رباست، بین آن که صریحاً قرار داده شود یا بنای در حال قرض به گرفتن قرض باشد، پس اگر قانون بانک، آن باشد که به قرضهایی که می گیرند، سود بدهد و قرض مبنی بر این قانون باشد حرام است.^۲

مسئله ۴. اگر در موردی قرض، بدون قرار نفع باشد نه به طور صراحت و نه به غیر از آن، قرض صحیح است و اگر چیزی بدون قرار، به قرض دهنده بدهد حلال است.^۳

مسئله ۵. سپرده های در بانک که به عنوان ودیعه و امانت است اگر مالک اذن ندهد که بانک در آن تصرف کند جایز نیست تصرف و اگر تصرف کند ضامن است و اگر اذن دهد و راضی باشد جایز است و اگر بانک چیزی بدهد یا بگیرد به رضایت حلال است. مگر رضای به تصرف برگردد حقیقتاً به قرض یعنی به تملک به ضمان در این صورت اگر چیزی با قرار بدهد حرام است و ودیعه بانکی ظاهراً از این قبیل است اگر چه به اسم ودیعه باشد.^۴

مسئله ۶. جایزه هایی که بانک یا غیر از آنها برای تشویق قرض دهنده می دهند، یا مؤسسات دیگر برای تشویق خریدار و مشتری می دهند با قرعه کشی، حلال است و چیزهایی که فروشنده ها جوف جنسهای خود می گذارند برای جلب مشتری و زیاد شدن خریدار، مثل سکه طلا در قوطی روغن، حلال و اشکال ندارد.^۵

مسئله ۷. اگر بانک یا مؤسسه دیگر پولی به شخص بدهد و حواله کند که این شخص پول را در محل دیگری به شعبه بانک یا طرف خود بپردازد پس اگر مقداری به عنوان حق زحمت بگیرد اشکال ندارد و همین طور اگر به عنوان فروش اسکناس به زیاد تر باشد، مانع ندارد و اگر قرض بدهد و قرار نفع بگذارد، حرام است، اگر چه قرار نفع صریح نباشد و قرض مبنی بر آن باشد، ولی اصل قرض صحیح است.^۶

مسئله ۸. بانکهای رهنی و غیر آنها اگر قرض بدهند با قرار نفع و چیزی را رهن بگیرند که در سر موعد اگر بدهکار بدهی خود را نپرداخت و فروشنده و مال خود را بردارند، این قرض با قرار نفع، حرام است و قرار نفع باطل است، ولی اصل قرض و رهن و وکالت در فروش صحیح است و جایز است برای بانک آن را بفروش و اگر کسی آن را بخرد مالک می شود و اگر قرار نفع نباشد و حق الزحمه بگیرد و در مقابل قرض و رهن بگیرد مانع ندارد و با مقررات شرعی فروش رهن و خرید آن مانعی ندارد.^۷

۱- حسینی خامنه ای علی. رساله ده مرجع. ص ۶۳۱. ۲- همان. ۳- همان. ۴- همان. ۵- همان. ۶- همان. ۷- همان.

نظر آیت الله بهجت در مورد احکام بانکها؛

مسئله ۹. وام گرفتن از بانک در صورتی که در آن سود شده باشد، جایز نیست و ربا و حرام است.^۱

مسئله ۱۰. کسی که می خواهد از بانک وام بگیرد می تواند کالا و جنسی را از بانک و یا وکیل او به نسبت معینی، مثلاً ده درصد و یا بیست درصد از قیمت بازار گران تر بخرد به شرط اینکه بانک مبلغ مورد تقاضای او را تا مدت معینی به او قرض دهد.^۲

مسئله ۱۱. اگر کسی بخواهد به بانک وام دهد در صورتی که بانک، کالا و جنسی را بیشتر از قیمت بازار از او بخرد به شرط اینکه او مبلغ مورد نظر را به بانک قرض دهد، یا این که بانک کالا و جنسی را به کمتر از قیمت بازار به او بفروشد به شرط اینکه مبلغی را تا مدت معینی به بانک قرض دهد، صحیح است و با این کار می توان از ربا دور شد.^۳

مسئله ۱۲. فروختن مبلغی به ضمیمه چیزی، به مبلغ بیشتر تا مدت معینی مانند این که صد تومان رابه ضمیمه یک قوطی کریت و یا یک عدد استکان مثلاً، به صد ده تومان به مدت دو یا سه ماه یا بیشتر بفروشند، جایز نیست و این عمل در واقع همان وام دادن با سود است که به صورت خرید و فروش انجام می شود حرام است.^۴

مسئله ۱۳. در مسئله قبل گفته شد که حکم قرض دادن به بانک مانند حکم قرض گرفتن از بانک است، و چنانچه در قرارداد وام شرط سود شده باشد ربا و حرام است، و فرقی نمی کند که پولی که به بانک داده می شود به صورت (سپرده ثابت) باشد، یعنی صاحب پول بر حسب قرارداد تا مدت معینی نمی تواند از پول خود استفاده کند. یا به نحو (حساب در گردش) باشد، که هر موقع بخواهد می تواند از پول خود استفاده کند، و در هر دو صورت حرام است.^۵

مسئله ۱۴. کسی که پول به بانک می دهد چنانچه شرط سود نشده باشد و صاحب پول به این قصد پول خود را بانک ندهد که از فایده ایعاید او گردد و اگر بانک سودی هم به او ندهد خود را طلبکار ندانسته و مطالبه نکند در این صورت گذاشتن پول نزد آن بانک جایز است و سودی آن هم اشکال ندارد.^۶

۱- بهجت محمد تقی، رساله ده مرجع، ص ۶۴۳. ۲- همان. ۳- همان. ۴- همان. ۵- همان. ۶- همان.

نظر آیت الله مکارم شیرازی در مورد معاملات بانکی و صندوقهای قرض الحسنه؛

مسئله ۱۵. پول هایی را که مردم به عنوان حساب جاری به بانک ها می سپارند صورت قرض الحسنه به بانک دارد که هر وقت بخواهند، می توانند آن را بگیرند و اگر سودی در مقابل آن قرار دهند حرام است و قرض هم باطل است و بانک هم نمی تواند در آن تصرف کند.^۱

مسئله ۱۶. سپرده های کوتاه مدت و دراز مدت مردم، نزد بانکها و سودی که به آن می دهد، در صورتی حلال است که طبق موازین شرعی و از طریق قراردادها و عقود اسلامی (از قبیل مضاربه و شرکت و امثال آن) باشد و دهنده پول یقین داشته باشد یا احتمال قابل ملاحظه دهد که بانک به عنوان وکالت از طرف مشتری این قراردادها را به صورت شرعی انجام می دهد، اما یقین دارد که این امور جنبه ظاهری و صوری دارد و فقط روی کاغذ است، آن سود حرام است.^۲

مسئله ۱۷. آنچه اشخاص از بانکها به عنوان قرض الحسنه می گیرند و اضافه می پردازند در صورتی حلال است که به صورت شرعی انجام گیرد و جنبه ربا نداشته باشد.^۳

مسئله ۱۸. گرفتن سود از بانک های خارجی و غیر مسلمان اشکال ندارد، ولی از بانک های مسلمان، حرام است.^۴

مسئله ۱۹. چیزی را که صندوق های قرض الحسنه به عنوان کارمزد و حق الزحمه در برابر خدماتی که برای نگهداری حساب اقساط و امثال این امور می گیرند اشکال ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که این مبلغ متناسب با زحمات هزینه های بانکی باشد، نه این که همان سود پول را به نام کارمزد بگیرند. صندوق قرض الحسنه نمی تواند هیچگونه شرطی در برابر دادن وام بکنند، مثلاً بگویند شرط وام این است که کارمزدی بدهند. بنابراین باید کارمزدی که میگیرند چیزی جداگانه از وام باشد.^۵

بعضی از صندوق های قرض الحسنه مقداری از سرمایه خود را در کارهای تجاری یا تولیدی به کار بگیرند، تا از در آمد های آن هزینه های صندوق یل سوخت و سوز و امها را تأمین کنند، ای کار در صورتی جایز است که صاحبان پول از این جریان باخبر بوده و اجازه داده باشند و در آمد حاصل شده تنها صرف هزینه های بانک شود.^۶

۱- مکارم شیرازی ناصر. رساله ده مرجع. ص ۸۰۵. ۲- همان. ۳- همان. ۴. مکارم شیرازی ناصر. رساله ده مرجع. ص ۸۰۶.

۵- همان. ۶- همان.

حساب جاری:

آیا باز کردن حساب جاری در بانک اشکال دارد؟ نه. ظاهر حساب جاری این است که شخص می گوید من پولم را می گذارم در بانک، کانه امانت گذاشته ام و هر وقت خواستم امانتم را قرض می گیرم. اما همه می دانند، فقها هم قبول دارند که این امانت نیست. آن وقت امانت است که عین مال محفوظ بماند و شما آن را پس بگیرید. شما پول خود را که در بانک می گذارید، به این صورت می گذارید که بانک در پول شما هرگونه تصرفی می خواهد بکند. بنابراین پول خود را به قرض می دهید به بانک که هرگاه خواستید، از بانک قرض بگیرید و چون این قرض با سود نیست پس این کار مانعی ندارد. ممکن است کسی اشکال کند که می دانیم بانک ربا می گیرد و معامله حرام انجام می دهد. ما چطور پول حلالمان را به بانک بدهیم و بعد پولی را بگیریم که نمی دانیم حلال است یا حرام؟ در پاسخ می گویند که شرع در این گونه مسائل تسهیل کرده. اگر شما از دست فردی که می دانید در مالش پول حرام وجود دارد پول حرام هم وجود دارد، هدیه ای بگیرید آیا حلال است یا نه؟ برای شما حلال است و نمی توانید بگویید من علم اجمالی دارم که این شخص بعض پول هایش حرام است و در هر جا که اجمالی هست احتیاط واجب است. در این جا می گویند: ید معتبر است، ید حکومت دارد بر علم اجمالی. وقتی شما از دست او هدیه ای می گیرید، چون احتمال حلیت می دهید. یعنی احتمال می دهید که از نوع پول حلالش باشد، دیگر نباید بیشتر از این جستجو بکنید. حضرت صادق فرمود: اگر بنا بشود که ید مسلمین معتبر نباشد (لمابقی للمسلمین سوق) بازار مسلمین به کلی خراب می شود. مثلاً شما در بازار می بینید شخصی می خواهد پالتویی بفروشد. برای خرید آن لزومی ندارد که بروید تحقیق کنید که این پالتورا از کجا به دست آورداست.

باک هم مثل فرد است. فرض این است که بانک پول حلال دارد، پول حرام هم دارد. شما که پولتان را به بانک می دهید باید بنا را بر حلیت بگذارید.^۱

سپرده پس انداز:

حال می آیم سراغ غیر حساب جاری، یعنی آن چیزهایی که بانک در مقابل آنها سود می دهد چه بصورت سپرده باشد و چه به صورت پس انداز. می گویند اگر بصورت قرارداد باشد ولو قرارداد ضمنی، اشکال دارد. اگر قرار داد صریح باشد که قطعاً رباست. اگر هم قرارداد ضمنی باشد، یعنی بنای بانک این است که پس به اندازونیز به سپرده مقدار معینی سود بدهد و شما هم مبتئاعاً علی هذا ای کارا می کنید، باز قطعاً رباست بلکه اگر فرض بکنیم - که چنین فرضی در عمل وجود ندارد - که چنین قراردادی نه ضمناً و نه صریحاً وجود دارد ولی بانک خودش مبلغی اضافه می دهد، به طوری که اگر ندهد، عرفاً کسی برای حق مطالبه قائل نیست، در این صورت گرفتن سود مانعی ندارد، ولی این فرض ظاهراً غیر از آن چیزی است که در خارج وجود دارد. بنابراین به قول بعضی ها سودی که از راه پس انداز یا سپرده ثابت می گیریم جایزه است.

۱- مطهری مرتضی. مسئله ربا و بانک. ص ۱۰۷. ۲- مطهری مرتضی. مسئله ربا و بانک. ص ۱۰۸.

نظر آیت الله سیستانی در مورد سپرده گذاری-قرض گرفتن:

مسئله ۲۰. قرض گرفتن از بانکهای دولتی، به شرط پرداخت سود جایز نیست؛ زیرا ربا است و در آن تفاوتی میان گذاشتن رهن و نگذاشتن آن نیست. و اگر کسی با این شرط از بانک قرض کند، قرض و شرط آن هر دو باطل است، زیرا بانک مالک اموال خود نیست تا آنها را به تملیک قرض گیرنده درآورد. برای رهایی از این اشکال، قرض گیرنده می تواند مبلغ مورد نظر را از بانک به عنوان مجهول المالک بگیرند، البته احوط آن است که این کار با اجازه حاکم شرع باشد و پس از رجوع به حاکم برای صلاح آن، در آن تصرف کند. در این حال دانستن این که بعدها، اصل مبلغ سود آن راقه را دریافت می کند اشکالی وارد نمی کند، و اگر بانک طلب خود را مطالبه کرد، پرداخت آن جایز است، زیرا که نمی توان از باز پرداخت آن خود داری کند.^۱

مسئله ۲۱. سپرده گذاری در بانکهای خصوصی- به معنی قرض به آنها- با شرط نکردن سود، جایز است. بدین معنا که قرض دادن را متوقف بر ملزم داشتن بانک به پرداخت سود نکند. نه آنکه که خود شخص در درون خود بنای مطالبه سود- در صورتی که بانک آن را نپرداخت- نداشته باشد، زیرا که بنای بر مطالبه چیزی با شرط نکردن قابل جمع است. همچنان که بنای مطالبه نکردن با شرط کردن قابل جمع است و شخص می تواند چیزی را شرط نکند و خواستار آن گردد و یا شرط کند و آن را مطالبه نکند.^۲

مسئله ۲۲. سپرده گذاری در بانک های خصوصی- به معنی قرض دادن به آن ها- با شرط دریافت سود، جایز نیست؛ و اگر کسی چنین کند. اصل سپرده گذاری صحیح و شرط باطل است، و اگر بانک سود را پرداخت کرد او مالک نمی شود، ولی اگر مطمئن باشد که مالکان حتی در صورت علم به عدم مالکیت شرعی به تصرف او در این مال (سود) راضی هستند تصرف او اشکال ندارد و غالباً چنین است.^۳

مسئله ۲۳. سپرده گذاری در بانکهای دولتی- به معنی قرض دادن به آنها- با شرط گرفتن سود، جایز نیست، و آن سود ربا است. بلکه دادن مال به این بانک ها هر چند بدون دریافت سود باشد، شرعاً اتلاف مال است زیرا آنچه را بعد از بانک بازپس می گیرند، مال بانک نیست بلکه از اموال مجهول المالک است. بنابراین سپردن درآمدها و فایده هاییکه شخص در طول سال به دست می آورد، در بانکهای دولتی بدون پرداخت خمس آن، مشکل است، زیرا او اجازه صرف این اموال را برای مونه خود دارد و به اتلاف آن مجاز نیست و اگر آن را اتلاف کند، ضامن خمس برای صاحب آن می شود.^۴

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان.

۴- سیستانی، رساله ده مرجع، ص ۷۶۵.

سوالاتی پیرامون احکام بانکها؛

س ۱. بانک مسکن جمهوری اسلامی وام هایی را برای خرید و یا ساخت و یا تعمیر خانه به مردم می دهد و بعد از پایان خرید یا ساخت یا تعمیر خانه، وام را به صورت اقساط پس می گیرد، ولی مجموع قسطهای در یافتی بیشتر از مبلغی است که به وام گیرنده داده شده است، آیا این مبلغ اضافی وجه شرعی دارد یا نه؟

ج: پول های که بانک مسکن به منظور خرید یا ساخت خانه می دهد، عنوان قرض ندارد بلکه؛ آن را طبق یکی از عقود صحیح شرعی مانند شرکت یا جعاله یا اجاره و امثال آن پرداخت می کند که اگر شرایط شرعی آن عقود را رعایت نمایند، اشکالی در صحت آن نیست.^۱

س ۲. بانکها به سپرده های مردم بین سه تا بیست درصد سود می دهد، آیا با توجه به سطح تورم، صحیح است این مبلغ اضافی را به عنوان عوض کاهش قدرت خرید سپرده های مردم در روز دریافت آن نسبت به روز سپرده گذاری محاسبه کرده تا بدین وسیله از عنوان ربا خارج شود؟

ج: اگر آن مبلغ اضافی و سودی که بانک می دهد از درآمد حاصل از به کار گیری سپرده به وکالت از سپرده گذار در ضمن یکی از عقود شرعی صحیح باشد ربا نیست، بلکه سود معامله شرعی و اشکال ندارد.^۲

س ۳. کار کردن در بانک های ربوی برای کسی که به علت نبودن کار دیگر جهت امرار معاش، مجبور است در آن جا کار کند، چه حکمی دارد؟

ج: اگر کار در بانک به معاملات ربوی مربوط باشد و به نحوی در تحقق آن مؤثر باشد، جایز نیست در آن جا کار کند و مجرد پیدانکردن کار حلال دیگری برای امرار معاش خود مجوز اشتغال به کار حرام نیست.^۳

س ۴. بانک مسکن برای ما خانه ای خرید است به این شرط که پول آن را به طور ماهیانه بپردازیم آیا این معامله شرعا صحیح است و ما مالک آن خانه می شویم؟

ج: اگر بانک آن خانه را برای خودش خریده و سپس به صورت اقساط به شما فروخته باشد اشکال ندارد.^۴

س ۵. آیا سود پولی که در بانکهای دولتهای غیر اسلامی گذاشته می شود جایز است و آیا اگر آن را بگیرد و تصرف در آن اعم از این که صاحب بانک اهل کتاب باشد یا مشرک و هنگام سپردن پول شرط دریافت سود کرده باشد یا خیر جایز است؟

ج: در فرض مرقوم سود گرفتن جایز است، حتی اگر شرط دریافت سود کرده باشد.^۵

۱- رساله توضیح المسائل، ده مرجع، ج ۲، ص ۷۳۷. ۲- همان. ۳- همان. ۴- همان، ص ۷۳۸. ۵- همان.

س ۶. در فرض فوق اگر بعضی از صاحبان سرمایه بانک مسلمان باشند، آیا در این صورت گرفتن سود از این بانکها جایز است؟

ج: گرفتن سود نسبت به سهام غیر مسلمان اشکال ندارد ولی نسبت به سهم مسلمان، در صورتی که سپردن پول به بانک همراه با شرط سود و ربا و یا به قصد دستیابی به آن باشد، گرفتن سود جایز نیست.^۱

س ۷. گرفتن سود پولهایی که به بانکهای کشورهای اسلامی سپرده شده چه حکمی دارد؟
ج: در صورتی که سپرده گذاری به صورت قرض و به قصد گرفتن سود و یا مبتنی بر آن و یا به قصد دستیابی به سود باشد، رفتن آن جایز نیست.^۲

س ۸. اگر نظام بانکی ربوی باشد قرض دادن به بانک از طریق سرمایه گذاری و یا قرض گرفتن از آن چه حکمی دارد؟

ج: سپرده گذاری در بانک به عنوان قرض الحسنه و یا قرض گرفتن از آن بصورت قرض الحسنه اشکال ندارد ولی قرض ربوی بطور مطلق از نظر حکم تکلیفی، حرام است هر چند اصل قرض از نظر حکم وضعی صحیح می باشد.^۳

س ۹. مبلغی پول از بانک به عنوان مضاربه گرفتم، آیا جایز است از مال مضاربه برای خرید خانه استفاده کنم؟

ج: سرمایه مضاربه ای امانتی از طرف مالک آن در دست عامل است و احوق ندارد تصرفی در آن کند مگر برای تجارت با آن به همان صورتی که توافق کرده اند، در نتیجه اگر آن را بطور یکجانبه در کار دیگری مصرف نماید، در حکم غضب است.^۴

س ۱۰. آیا واجب است است بانکها صاحبان حسابها را از جایزه هایی که از طریق قرعه به آنان تعلق گرفته مطلع نمایند؟

ج: تابع مقررات بانک است و اگر دادن جایزه هابه صاحبان حسابها متوقف بر این باشد که آنان را مطلع نمایند تا برای گرفتن آن مراجعه کنند، اعلام واجب است.^۵

س ۱۱. آیا شرعا جایز است مسئولین بانکها مقداری از سود سپرده های بانکی را به اشخاص حقیقی و حقوقی ببخشند؟

ج: اگر آن سود ها ملک بانک باشد، در این صورت تابع مقررات بانک است، ولی اگر متعلق به صاحبان سپرده ها باشد، حق تصرف در آن برای سپرده گذاران است.^۶

۱- رساله توضیح المسائل، ده مرجع، ج ۲، ص ۷۳۸، ۲- همان، ۳- رساله توضیح المسائل، ده مرجع، ج ۲، ص ۷۴۱، ۴- همان.

۵- رساله توضیح المسائل، ده مرجع، ج ۲، ص ۷۴۲، ۶- همان.

منابع:

*قرآن

*رساله ده مرجع - انتشارات هاتف - ج ۲ - مشهد ۱۳۸۴ - چاپ ۱

*محمدی ری شهری محمد - میزان الحکمه - ترجمه حمید رضا شیخی - ج ۴ - انتشارات دارالحدیث - قم ۱۳۷۷ - چاپ ۱

*عمید حسن - فرهنگ فارسی عمید - ج ۲ - موسسه انتشارات امیر کبیر - تهران ۱۳۷۲ - چاپ ۹

*رحمتی شهرضا - محمد - گنجینه معارف - انتشارات صبح پیروزی - قم ۱۳۸۵ - چاپ ۱

*خمینی روح الله - تحریر الوسیله - ج ۲ - انتشارات موسسه انتشارات دارالعلم - قم ۱۳۸۷ - چاپ ۲

*مشکینی - کتاب واجب و حرام - انتشارات دفتر نشر الهادی - چاپ ۶ - ۱۳۷۷

مطهری مرتضی - مسئله ربا و بانک - انتشارات صدرا - قم ۱۳۸۱ - چاپ ۱۲